

اخبار کوتاه

قاتل شیشه‌ای به دام پلیس افتاد

مجرم شیشه‌ای که پس از قتل راننده آژانس در شهرستان بجنورد جسد را به همراه خودرو آتش زده بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، چند روز قبل اعضای خانواده‌ای در شهرستان بجنورد گم شدن مرد میانسال را به پلیس خبر دادند. آنها گفتند پدرشان به عنوان راننده آژانس مشغول کار بوده و آن روز هم مثل همیشه راهی محل کارش شده، اما دیگر از وی خبری نشده و گوشی تلفن همراهش هم خاموش است. آنها همچنین گفتند همکاران و دوستانش هم از وی خبری ندارند، برای همین احتمال می‌دهند برایش اتصاف ناگوار ی رقم خورده باشد.

در حالی که بررسی‌ها جریان داشت به ماموران پلیس خبر رسید خودروی سوخته‌ای حوالی گورستان جاویدشهر کشف شده است. با حضور ماموران در محل مشخص شد خودرو به همراه جسد داخل آن به آتش کشیده شده است. بررسی‌های بعدی نشان داد جسد متعلق به همان راننده گمشده است که به پزشکی قانونی منتقل شد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها مشخص شد راننده در جریان سانروی جانی به قتل رسیده است. تحقیقات پلیس با شناسایی آخرین مسافری که وی سوار کرده بود، دنبال شد. وقتی متهم بازداشت شد، مورد تحقیق قرار گرفت و در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. او گفت روز حادثه با آژانس تماس گرفته و خودروسی کرایه کرد و در صندلی عقب نشستم. راننده شروع به حرکت کرد و من هم شروع به مصرف مخدر شیشه کردم. راننده که متوجه رفتارم نشده بود به من اعتراضی کرد و گفت که بیماری قلبی دارد و خواست مواد مصرف نکنم. سر این موضوع بحث‌مان شد که کنترل رفتارم را از دست دادم. من یک تکه سیگار که هم‌راهم بود به دور درنوش انداختم و او را خفه کردم. بعد جسد را به همراه خودرو در درافتاعت گورستان جاوید آتش زدم که بازداشت شدم. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس بجنورد گفت تحقیقات از متهم در جریان است.

ادامه بازداشت وطن‌فروشان در عملیات‌های پلیس

ماموران پلیس در جریان عملیات‌های جداگانه در استان‌های مختلف شمار دیگری از عوامل دشمن را شناسایی و بازداشت کردند. به گزارش جوان، سردار سپیدموسی حسینی، فرمانده نیروی انتظامی استان سمنان از شناسایی و دستگیری هفت عامل مرتبط با شبکه‌های معاند در این استان خبر داد. در جریان این عملیات، ماموران انتظامی و پلیس اطلاعات و امنیت استان با اشرافیت کامل اطلاعاتی، نسبت به شناسایی و دستگیری هفت عامل مرتبط با شبکه‌های معاند اقدام کردند. با بررسی‌های تخصصی پلیس مشخص شد، متهمان ارتباط مستمر با رسانه‌های معاند سلطنت‌طلب داشتند و به انجام اقدامات ضدامنیتی و هنجارشکنانه، ارسال مختصات جغرافیایی مناطق حساس، اهانت و فحاشی مشغول بودند که در عملیات‌های جداگانه توسط پلیس اطلاعات و امنیت استان و شهرستان‌های شاهرود، مهدیشهر و میامی دستگیر شدند.

همچنین مدافعان امنیت در استان خوزستان موفق به دستگیری ۱۲ مزدور از عوامل مرتبط با رژیم صهیونیستی و امریکایی شدند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس این استان گزارش داد که دب دنبال شناسایی و دستگیری عوامل دشمن، ماموران انتظامی با تلاش اطلاعاتی گسترده، ۱۲ نفر از افرادی را که با رژیم صهیونیستی و امریکادر ارتباط بودند، شناسایی و دستگیر کردند. این افراد با برنامه‌ریزی قبلی و هدایت مستقیم سرپل‌های دشمن، اقدام به تماس تلفنی و ارسال تصاویر به تیم رسانه‌ای معاند می‌کردند. در جریان عملیات دیگر، پلیس شهرستان تنکابن از شناسایی و بازداشت چهار عنصر وطن‌فروش و وابسته به معاندین توسط پلیس شهرستان تنکابن خبر داد. با توجه به اهداف دشمن امریکایی -صهیونی برای ایجاد بی‌ثباتی داخلی، بهره‌گیری از گروه‌های معاند، طی روزهای گذشته، با رصد اطلاعاتی و فنی ماموران، تعداد چهار نفر از عناصر خودفروخته و وطن‌فروش وابسته به معاندین مورد شناسایی قرار گرفتند و بازداشت و برابر با احکام قضایی روانه زندان شدند. وی افزود: این عناصر با ایجاد ناامنی ذهنی برای جامعه، تبلیغ به نفع دشمن، تحریک و سازماندهی عناصر مخل امنیت در فضای مجازی در امر ارسال تصاویر و فیلم به شبکه صهیونیستی- امریکایی اینترنتشال فعالیت داشتند.

از این افراد تعداد هشت قبضه سلاح شکاری غیر مجاز کشف و ضبط شد.

حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

کزارش یک حسین‌فصیحی

دوره‌های تاریخ معاصر که کشور با جنگی تمام‌عیار و ترکیبی از تهدیدات نظامی، امنیتی و روانی مواجه شده، نقش پلیس به‌عنوان ستون اصلی نظم اجتماعی پیش از هر زمان دیگری برجسته شده است. ۴۴ روز از آغاز این جنگ می‌گذرد؛ جنگی که نه تنها زیرساخت‌ها و جان انسان‌ها را هدف قرار داده، بلکه امنیت روانی جامعه و انسجام اجتماعی را نیز نشانه‌گرفته است. در چنین شرایطی، عملکرد پلیس را باید بر بستر یک «وضعیت اضطراری چندلایه» تحلیل کرد؛ وضعیتی که در آن، مرز میان امنیت نظامی و امنیت اجتماعی به‌شدت باریک شده است.

خط مقدم امنیت شهری

در روزهایی که حملات مستقیم به مراکز انتظامی و زیرساخت‌های شهری صورت گرفته، پلیس عملاً در خط مقدم یک جنگ ترکیبی قرار داشته است. این نهاد، علاوه بر مأموریت‌های سنتی خود مانند مقابله با سرقت، کنترل ترافیک، مقابله با جرم‌های سایبری و رسیدگی به جرائم، ناچار به ایفا نقش در مدیریت بحران، حفظ آرامش عمومی و مقابله با جنگ روانی نیز شده است.

بر اساس گزارش سخنگوی فرجا، از ابتدای این درگیری‌ها، بیش از ۳ هزار سارق دستگیر شده و ۴۷ سارق حرفه‌ای در مواجهه مسلحانه با پلیس زمین‌گیر شده‌اند. این آمار، نشان‌دهنده افزایش سطح تهدیدات داخلی در سایه جنگ است؛ تهدیداتی که اگر کنترل نمی‌شدند، می‌توانستند به سرعت به این نظم گسسته و فروپاشی امنیت شهری منجر شوند. در واقع، پلیس در این دوره نه تنها با دشمن خارجی، بلکه با «ناامنی داخلی فرصت‌طلبانه» نیز مواجه بوده است؛ پدیده‌ای که در اغلب بحران‌های بزرگ اجتماعی مشاهده می‌شود.

سرفت در سایه جنگ

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در این دوره بروز یافته، کاهش فعالیت سارقان و مجرمان در مناطقی بوده که ساکنان آنها به دلیل حملات مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. تخلیه اضطراری برخی مناطق شهری، عملاً فرصت‌هایی برای بزحکاران ایجاد کرده است. در واکنش به این وضعیت، پلیس با اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر، از جمله صدور دستور تیر در مواجهه با سارقان مسلح یا مقاومت، تلاش کرده یک پیام بازدارنده قاطع به مجرمان ارسال کند. این رویکرد، هر چند از منظر حقوقی و اجتماعی قابل بحث است، اما در چارچوب شرایط جنگی و ضرورت ممانعت نظم عمومی، به‌عنوان یکی اقدام اضطراری قابل

تحلیل است.

همچنین استنقرار بیش از ۹۰۰ گشت ویژه خودرویی و موتور یی در سطح کشور، نشان‌دهنده تمرکز پلیس بر پیشگیری از جرم در کنار برخورد با آن است. کشف نزدیک به هزار وسیله نقلیه سرقتی نیز مؤید کارآمدی نسبی این راهبردهاست.

امنیت در شهرهای زخمی

آمارهای منتشر شده از سوی مدیریت شهری نشان می‌دهد دهها هزار واحد مسکونی آسیب دیده و هزاران نفر ناچار به اسکان اضطراری شده‌اند. در چنین شرایطی، شهرها عملاً به «فضاهای نیمه‌بحرانی» تبدیل می‌شوند؛ فضاهایی که در آنها نظم اجتماعی به‌راحتی می‌تواند دچار اختلال شود. پلیس در این میان، وظیفه‌ای دوگانه بر عهده داشته است؛

حفاظت از اموال و خانه‌های رهاشده و تأمین امنیت مراکز اسکان اضطراری و جمعیت‌های جایجا‌شده.

این مأموریت‌ها، نیازمند سطح بالایی از هماهنگی، حضور میدانی و مدیریت منابع انسانی است، به‌ویژه در شرایطی که خود‌مراکز

انتظامی نیز هدف حمله قرار گرفته‌اند.

جنگ روایت‌ها

یکی از ابعاد مهم این بحران، «جنگ روایت‌ها»ست. در این میدان، دشمن تلاش می‌کند با انتشار اخبار نادرست، بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و ایجاد ترس، اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی را تضعیف کند.

پلیس در واکنش به این وضعیت، برخورد با عوامل «تشویش اذهان عمومی» در فضای مجازی، را در دستور کار قرار داده است. این اقدام، بخشی از راهبرد کلان برای حفظ انسجام اجتماعی و جلوگیری از گسترش شایعات است.

با این حال، این حوزه نیازمند ظرافت بیشتری است، زیرا مرز میان کنترل شایعات و محدودسازی جریان آزاد اطلاعات، بسیار حساس و تعیین‌کننده است. اعتماد عمومی، تنها با برخورد فوری حفظ نمی‌شود، بلکه نیازمند شفافیت، اطلاع‌رسانی دقیق و ارتباط مؤثر با مردم است.

پلیس و جامعه

یکی از مهم‌ترین نکات در تحلیل عملکرد



عملکرد پلیس در تأمین امنیت در شرایط جنگی

امنیت در خط مقدم

پلیس، توجه به رابطه آن با جامعه است. پلیس، نهادی جدا از مردم نیست، بلکه از دل همین جامعه برخاسته است. بسیاری از مأموران، خود در همان محله‌های زندگی می‌کنند که مأمور تأمین امنیت آن هستند.

در شرایط جنگی، این پیوند اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حمایت مردمی از پلیس می‌تواند ضربت موفقیت‌ان را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. در مقابل، هر گونه شکاف میان مردم و نیروهای انتظامی می‌تواند به تضعیف امنیت عمومی منجر شود.

دعوت مسئولان انتظامی از مردم برای گزارش موارد مشکوک و حفظ حضور اجتماعی، نشان‌دهنده درک این واقعیت است که امنیت، یک محصول مشترک میان دولت و جامعه است.

انسجام اجتماعی

تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند که در شرایط جنگی، انسجام اجتماعی مهم‌ترین عامل بقا و پیروزی است. پلیس، به‌عنوان یکی از نمادهای حاکمیت، نقش مهمی در تقویت یا تضعیف این انسجام دارد.

ف

مهم‌ترین چالش‌هایی که در این دوره بروز یافته، افزایش فعالیت سارقان و مجرمان در مناطقی بوده که ساکنان آنها به دلیل حملات مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. تخلیه اضطراری برخی مناطق شهری، عملاً فرصت‌هایی برای بزحکاران ایجاد کرده است.

برخورد قاطع با مجرمان می‌تواند احساس امنیت را تقویت کند، اما اگر این برخوردها به بی‌اعتمادی یا احساس بی‌عدالتی منجر شود، نتیجه معکوس خواهد داشت. در این میان، رسانه‌ها نیز نقش کلیدی دارند. روایت درست از عملکرد پلیس، می‌تواند به تقویت روحیه عمومی کمک کند و در مقابل، روایت‌های تحریف‌شده می‌توانند زمینه‌ساز شکاف اجتماعی شوند.

چالش‌های پیش‌روی پلیس

با وجود اقدامات گسترده، پلیس با چالش‌های متعددی مواجه است؛

فرسودگی نیروها به دلیل فعالیت شبانه‌روزی، کمبود منابع در شرایط جنگی، افزایش جرائم فرصت‌طلبانه، فشار روانی ناشی از حملات و تهدیدات مستقیم و مدیریت همزمان امنیت فیزیکی و روانی جامعه.

عبور از این چالش‌ها، نیازمند حمایت همه‌جانبه از این نهاد، چه در سطح حاکمیتی و چه در سطح مردمی است.

عملکرد پلیس در این دوره را باید در چارچوب یک وضعیت استثنایی ارزیابی کرد. در شرایطی که کشور با تهدیدات چندگانه مواجه است، این نهاد توانسته تا حد زیادی از فروپاشی نظم اجتماعی جلوگیری و سطحی از امنیت را حفظ کند. با این حال، تداوم این وضعیت نیازمند تقویت چند مؤلفه کلیدی است از جمله افزایش اعتماد عمومی.

بهبود ارتباط با شهروندان، حفظ تعادل میان اقتدار و عدالت و تقویت همکاری میان مردم و پلیس.

در نهایت، باید پذیرفت که امنیت، صرفاً محصول قدرت نیست، بلکه نتیجه

تعامل پیچیده‌ای میان نهادهای رسمی و جامعه است. پلیس، در این میان، نه تنها یک نیروی اجرایی، بلکه یکی از مهم‌ترین نمادهای این تعامل است. نمادی که حفظ کارآمدی و مشروعیت آن، برای عبور از بحران‌های کنونی حیاتی است.

روایت محمدامین شهریاری از ۴۰ روز جنگ و لحظات شیرین نجات

امدادگری که در دل آوار، زندگی هدیه داد

وقتی حادثه‌ای رخ

می‌دهد، همه به فکر نجات‌جان خود هستند

کزارش ۲

غلامرضا مسکنی

و تلاش می‌کنند خود را به امن‌ترین مکان برسانند.

شاید در آن لحظه، تعداد افراد اندکی باشند که از خود بگذرند و برای نجات جان دیگران جانفشانی کنند.

امدادگران هلال احمر هم‌سال اندک افرادی هستند که همیشه در سخت‌ترین شرایط، داوطلبانه

به عمق حادثه می‌روند تا شاید به کسی که زیر آوار آخرین نفس‌های خود را تجربه می‌کند، جان تازه‌ای ببخشند. در طول ۴۰ روز جنگ سوم تحمیلی علیه

ایران، امدادگرانی که در زمان غیربحرانی به کار دیگری مشغول هستند، داوطلبانه و بدون هیچ مزد

و مننی، دست از کار اصلی خود کشیدند و به کمک

آسیب‌دیدگان شتافتند. محمدامین شهریاری،

امدادگر ۲۷ ساله، یکی از همین فرشتگان نجات

است؛ دانشجوی خلبانی، فارغ‌التحصیل شهرسازی

و دانشجوی ارشد هواشناسی در دانشگاه تهران که

در این روزهای سخت، دل به آوار زد و تعداد زیادی

را از یک قدمی مرگ نجات داد.

■ ■ ■

محمدامین شهریاری، امدادگر ۲۷ساله‌ای که

نخستین تجربه امدادرسانی به آسیب‌دیدگان را در

جنگ ۱۲ روز رژیم صهیونیستی علیه ایران به دست

آورد، در جنگ سوم تحمیلی از روز اول تا لحظه اعلام

آتش‌بس حضور داشته است. او که شغل آزاد دارد و

مغازه‌دار است، در کنار تحصیل در دانشگاه، علاقه

زیادی به خدمت در نیروهای نظامی داشت و دوست

داشت در کنار کارش، در حوادث و اتفاقات تلخ در کنار مردم باشد.

مسیری که با عشق آغاز شد

او در این باره می‌گوید: «به صورت داوطلبانه در سازمان

هلال احمر ثبت‌نام کردم. از آنجایی که علاقه زیادی به

خلبانی داشتم، ابتدا در رشته خلبانی جگنده شرکت

کردم و مهمه مراحل را قبول شدم، اما در آخرین مرحله

به خاطر سن رد شدم. خیلی تلاش کردم و نتیجه

نگرفتم، اما ناامید نشدم و در نهایت در رشته خلبانی

هواپیماهای مسافربری قبول شدم. همزمان با ادامه

هم دارم، عضو تیم مرکز هوشمند رصد اطلاعات و

داده‌کای جمعیت هلال احمر هستم.»

تأشاک غم اولین تجربه در جنگ ۱۲ روزه: از اشک شوق

محمدامین درباره نخستین روزهای امدادگری در

شرایط جنگی می‌گوید: «شرایط سخت و خطرناک

بود و خانواده‌ام خیلی نگران بودند و مدام با من تماس

می‌گرفتند. در شرایطی که جنگنده‌ها و موشک‌های

دشمن بر سر مردم آوار می‌شد، ما به محل می‌رفتیم و

تلاش می‌کردیم مردم را از زیر آوار بیرون بیاوریم. همه

امیدمان این بود که بتوانیم افراد گرفتار شده را زنده

نجات دهیم.»

او خاطره‌ای شیرین از آن روزها را با این‌گونه روایت

می‌کند: «یادم می‌آید یک ساختمان مسود اصابت

قرار گرفته بود. وقتی برای امدادرسانی به آنجا رفتیم،

متوجه شدم بر اثر موج انفجار، سردر رهگذری که از

آن نزدیک عبور می‌کرده زیر آوار گرفتار شده است.

دستانت سوخته و کیود بود و شرایط خیلی بدی

داشت. موفق شدیم او را زنده نجات دهیم و همان

لحظه اشک شوق از چشمانم جاری شد.»

اما در کنار این لحظات شیرین، صحنه‌های دردناکی نیز

وجود داشت: «در حادثه دیگری، آنقدر شرایط دردناک

بود که پنهانی گریه کردم. آن روز دشمن ساختمانی

مسکونی در شهرک شهید چمران را بمباران کرده بود.

ما جسد را داخل کاور کرده بودیم؛ اجساد ی که حتی

قابل شناسایی نبودند. وقتی زنی به من مراجعه کرد و

عکس فرزندش را به نشان داد که زیر آوار مانده بود

و نتوانسته بودم کمکش کنم، سخت‌حالم دگرگون

شد. آن روز فکر می‌کردم با توجه به شرایط هولناک،

ساکنان آنجا با ما برخورد بدی داشته باشند، اما آنها

با اینکه اجساد عزیزانشان را می‌دیدند، با دست سر و

صورت ما را نوازش می‌دادند.»

جنگ ۴۰ روزه: ترسی نبود، فقط عشق به خدمت

محمدامین از روزهای جنگ سوم تحمیلی چنین

می‌گوید: «به نظر من کسی که داوطلب امدادگری

بخواهیم روحیه‌مان را از دست بدهیم با آنها چشمان

اشکبار ما را ببینند، روحیه آنها تحت تأثیر قرار

می‌گیرد و شرایط بدی به وجود می‌آید. به همین دلیل،

فروپاشی روحی ما معمولاً بعد از پایان جنگ است و

مخصوصاً یک ماه بعد از حادثه‌ها، زمانی که در خلوت

باید با خودمان کنار بیاییم.»

رنجش از برخی ایرانیان خارج از کشور و شرمندگی از محبت مردم ایران

محمدامین شهریاری با صراحت زیادی می‌گوید: «آنچه

از همه برای من سخت‌تر است، گفته‌های برخی از

ایرانی‌هایی است که به خارج از کشور پناه برده‌اند و

گاهی در میان آنها افراد مشهوری هم دیده می‌شوند.

آنها همان افرادی هستند که از ریختن بمب به روی

هموطنانشان شساد می‌شوند و وقتی می‌بینند ما

تلاش می‌کنیم و در دل آوار افسردار را زنده بیرون

می‌آوریم، با حرف‌هایشان دل ما را می‌رنجانند. اما

برای ما جان انسان‌ها مهم است و حرف‌های آنها

باد هواس‌ت.»

او تأکید می‌کند: «البته این افراد اندک هستند و ما

همیشه شرمند محبت مردم ایران چه در داخل و چه

در خارج هستیم. مردم وقتی ما را می‌بینند خیلی به

ما توجه می‌کنند. مثلاً شنیدم یک ایرانی که خارج از

کشور زندگی می‌کند، در این ایام برای کمک به ایران

آمده بود و وسایلی را که ما نیاز داشتیم هم فراهم کرده

و در اختیار هلال احمر قرار داده بود.»

لطف مردم دو کوچه و خیابان

محمدامین از محبت‌های مردم این‌گونه روایت می‌کند:

«گر برای خرید به مغازه‌ای برویم، همزمان شهروندی

وارد مغازه شود، متوجه می‌شویم که آنها بدون اینکه

ما بفهمیم، پول خرید ما را هم حساب کرده‌اند. یادم

می‌آید چند روز قبل، پس از امدادرسانی به یک

ساختمان، حین برگشت به خانه، ماشینم پنجر شد.

وقتی از خودرو پیاده شدم برای تعویض لاستیک،

در کمتر از یک دقیقه افراد زیادی به کمک آمدند و

نگذاشتند من دست به لاستیک بزنم.»

آرزوی پایانی؛ صلح و ناپودی رژیم‌های جنایتکار

محمدامین شهریاری در پایان می‌گوید: «دوست

دارم روزی برسد که جهان در صلح و آرامش باشد و

رژیم‌های جنایتکار از روی زمین محو شوند.»